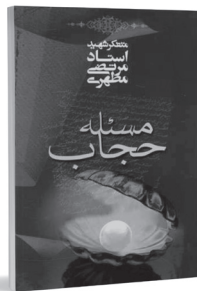


تحلیل پدیدارشناختی حجاب با تأکید بر کتاب مسئله حجاب استاد مطهری^۱ شهناز شایان‌فر^۲



۱. اثر حاضر به معرفی کتاب مسئله حجاب استاد شهید مرتضی مطهری می‌پردازد که بارها از سوی ناشران مختلف به چاپ رسیده است. مقاله حاضر به مناسبت برگزاری پنجمین نشست از سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن تهیه شده است. در این نشست که در ۱۷ دی ۱۴۰۲ با دبیری دکتر فرحناز افضلی قادی برگزار شد، دکتر زهرا داوریناه و دکتر محمدتقی کرمی به بررسی کتاب مسئله حجاب، اثر ماندگار آیت‌الله مرتضی مطهری، پرداختند. ۲. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه الزهراء (س).

10.30484/JII.2026.3342 | sh.shayanfar@alzahra.ac.ir

• استناد: شایان‌فر، شهناز (۱۴۰۴). تحلیل پدیدارشناختی حجاب با تأکید بر کتاب مسئله حجاب استاد مطهری. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی، (۲) ۱۵، ص ۳۴ - ۴۳.

زن و حجاب در کتاب مسئله حجاب
شهید مطهری از نماهای گوناگون
واکاوی شده است. رخ‌نمایی تدریجی
مسئله - که پدیدارشناسان آن را
«نوئسیس» می‌نامند - در این اثر به نحو
چشمگیری جلوه‌گری می‌کند. توگویی
خواننده این کتاب از زوایای رنگارنگ،
مهمان حجاب می‌شود.

در مقدمه کتاب مسئله حجاب با این پرسش‌ها روبه‌رو هستیم: آیا پوشش از مختصات اسلام است و در میان ملل دیگر قبل از اسلام وجود نداشته است؟ علت پیدایش حجاب چه بوده است؟ فلسفه پوشش از نظر اسلام چیست؟ ایرادها و اشکال‌هایی که بر پوشیدگی زن گرفته می‌شود، چیست؟ حدود پوشش اسلامی چیست؟ آیا حجاب پرده‌نشینی و محبوسیت و اختلاط است؟^۱

در کتاب مسئله حجاب، ایرادها و اشکالات وارد بر حجاب پاسخ می‌گیرند؛ اشکالاتی چون: نامعقول بودن حجاب، ناسازگاری حجاب با حقی طبیعی با نام آزادی، رکود فعالیت‌ها، هدررفت نیروی زن و تضییع استعدادهای طبیعی او، و افزایش التهاب‌ها و اشتیاق‌ها.

افزون بر آن، بخش پنجم کتاب، عهده‌دار ترسیم نمای قرآنی و فقهی مسئله حجاب است. در این بخش، تفسیر آیاتی از سوره نور و سوره احزاب در دستور کار قرار می‌گیرند. سپس مسائل فقهی و بحث روایات مطرح و فتوای فقها نقل می‌شود. اما این ابعاد مسئله حجاب نیز در دستور کار مقاله حاضر نیست.

افزون بر آن، استاد مطهری در کتاب، اشاراتی به پیشینه تاریخی حجاب می‌کند: «اطلاع من از جنبه تاریخی کامل نیست، اما قدر مسلم آن است که قبل از اسلام در میان برخی ملل، حجاب بوده است. تا آنجا که من در کتاب‌های مربوط خوانده‌ام در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند، حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است، اما در جاهلیت عرب، حجاب وجود نداشته است و به

۱. مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۵-۱۶.

استاد مطهری در کتاب مسئله حجاب سعی می‌کند در نور اصول بدیهی و معقول و در تاریخ سازی مشهورات و خرافات به لایه های درونی تر و هسته قدرتمند حجاب نزدیک شود. در این رهگذر، گاهی حجاب را به طور منفرد و زمانی در میان هاله ای از متغیرها و ناظر به افق تحلیل می‌کند.

وسیله اسلام در عرب پیدا شده است.^۱ این نگاه تاریخی نیز مبنای پردازش پژوهش و مقاله حاضر نیست.

همچنین، در معرفی هایی که از این کتاب شده، سعی بر این بوده که درون مایه های این کتاب بیان شود که این جنبه نیز موضوع اصلی نگارنده نیست. آنچه نگارنده مقاله حاضر در پی آن است، ارائه یک تحلیل پدیدارشناختی از مسئله حجاب و بیان این موضوع است که چگونه حجاب، در نگاه استاد مطهری، اویژه ای است با نماها و حیثیات التفاتی متکثر، و آن را نمی توان به یک نما فروکاست داد؛ و اینکه چگونه استاد مطهری سعی کرده است حجاب را از تقلیل به یک مسئله عرفی یا تنزل آن به یک مسئله درون دینی صرف نجات دهد.

به دیگر سخن، از نظر استاد مطهری، پدیده برهنگی، بیماری عصر ماست. مؤلف کتاب مسئله حجاب، برهنگی را از حیث التفاتی بیماری می نگرد و بیماری نیاز به درمان دارد. این بیماری پیش رونده است با قابلیت شیوع بالا. لذا برای درمانش باید با قید فوریت اقدام کرد و بخش مهمی از درمان به حوزه شناخت و آگاهی برمی گردد: اینکه آگاهی ما به انسان چه باشد و حیث التفاتی ما به او چه باشد، مهم است؛ اینکه آگاهی ما به زن چیست و حیث التفاتی ما به او چگونه است، اهمیت دارد؛ اینکه حیث التفاتی ما به آزادی چیست، مهم است؛ اینکه حیثیات التفاتی ما به حجاب چیست و کدام حیث التفاتی از حجاب در اسلام حضور دارد، اهمیت دارد.

پدیدارشناسی

هوسرل بر این باور است که پدیدارشناسی، سرآغازی نوین در فلسفه و یک علم جدید است.^۲ برای پدیدارشناسی تعاریف مختلفی ارائه شده است که از آن جمله اند: «پژوهش

۱. مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۹.

۲. کاوهر و چمر، ۱۳۹۹، ص ۱۷.

یا مطالعه پدیدارها»، «توصیف تجربه‌های زیسته» یا «توصیف ساختارهای ذاتی تجربه»، و «پژوهش در حیطه التفاتی».^۱ به عبارتی، در رویکرد طبیعی، ما با اشیای طبیعی موجود در میان اشیای جهان طبیعی سر و کار داریم؛ درختی که بیرون از ما در جهان وجود دارد. اما در پدیدارشناسی با ادراک درخت مواجهیم و به وجود و عدم خانه کاری نداریم. به عبارتی در پدیدارشناسی با تجربه استعلایی مواجهیم؛ پس ما به بررسی و توصیف «من می‌اندیشم» به‌طور استعلایی فروکاست شده کار داریم.^۲

پدیدارشناسی به‌مثابه یک علم و با دستور مطالعه و پژوهش منظم از محتوای ذاتی تجربه‌ها با هوسرل آغاز شد. محوریت پدیدارشناسی هوسرل، با محوریت «آگاهی» است و بعدها پدیدارشناسی با تغییر جدی از سوی هایدگر مواجه و به جای آگاهی، «دازاین» مطرح شد.^۳ اما در این پژوهش، ما با رویکرد هوسرلی و با تأکید بر پدیدارشناسی به‌مثابه «پژوهش در حیطه التفاتی» به تحلیل پدیدارشناختی کتاب مسئله حجاب استاد مطهری می‌پردازیم.

۱. اپوخه

در پژوهش پدیدارشناختی باید به خود اشیاء مراجعه کرد و هر آنچه را حجاب میان ما و اشیاست، کنار گذاشت. این کنارگذاشتن و نادیده‌گرفتن به معنای رد و انکار نیست، بلکه صرفاً به معنای این است که ما این پرده میان خویش، به‌عنوان توصیفگر و شیء را، در داوری و تحلیل و توصیف، مبنای کار قرار نمی‌دهیم و به‌نوعی تعلیق می‌کنیم. هوسرل این تعلیق یا داخل پرانتز گذاشتن را «اپوخه» می‌نامد.^۴ از نگاه پدیدارشناسانه، فرد باید بر احساسات، ترجیحات، تمایلات، پیش‌فرض‌ها، منافع خویش، تعصبات، آرزوها، و انتظارات ذهنی یا خصوصی خویش غلبه کند؛ زیرا این موارد خاصیت اغواکنندگی دارند.^۵

۲. ساختار ذاتی تجربه

مراد هوسرل از «ذاتی در تجربه» محتوایی است که تجربه‌ها را به تجربه‌هایی از نوع خاص تبدیل می‌کند. طیفی از محتوای ذاتی تجربه‌ها، ورای آن چیزی می‌روند که بی‌واسطه در برابر حواس حاضر است. به‌عنوان مثال، ما درخت را چیزی می‌بینیم که واجد «پشت» و «طرف دیگر» است، حتی اگر «پشت» و «طرف دیگر» قابل مشاهده نباشد. این ویژگی‌ها و دوام در آینده‌ای نزدیک، به‌طور مستقیم به حواس داده نمی‌شوند، بلکه آن ویژگی‌ها با این اوصاف، برای تجربه ذاتی هستند. هوسرل بر این باور است که خصوصیات مذکور، توسط ذهن داده می‌شوند.^۶ به دیگر سخن، پدیدارشناسی به «اوبژه صرفاً در چارچوب سوز» می‌اندیشد و در این حالت، اوبژه نامش به «نومن» تغییر می‌کند.^۷

۱. زهاوی، ۱۴۰۲، ص ۲۴.

سربون، ۱۳۹۹، ص ۱-۱۴.

۲. هوسرل، ۱۴۰۱، ص ۷۳.

۳. کاووفر و چمر، ۱۳۹۹، ص ۴۰۹.

۴۳. جمادی، ۱۴۰۰، ص ۴۰۹.

۴۷۴، ۴۱۹.

۴. هوسرل، ۱۴۰۱، ص ۵۶-۵۷.

Husserl, 1983, 55-56.

p. 59-60.

5. Manen, 2016, p224, 52-53.

۶. کاووفر و چمر، ۱۳۹۹، ص ۴۴.

۷. رشیدیان، ۱۳۹۹، ص ۲۸۱.

بنابراین در هر ادراک خارجی، نماها و جوانبی که ادراک شده‌اند، به نماهای ادراک نشده و جوانب پنهان از حواس اشاره دارند، بلکه در حالت انتظاری غیرشهودی به مثابه جوانبی که در آینده ادراک خواهند شد، پیش‌بینی می‌شوند. به همین دلیل، با چرخاندن اوبژه یا با تغییر موضع نگاه و ادراک، می‌توان جانب یا نمایی جدید را که پیش از این ندیده‌ایم، ببینیم.^۱

۳. حیث التفاتی

مکعبی را فرض کنید، وقتی از دوردست بدان نگاه می‌کنید و با اشراف کامل، مکعب می‌بینید. اما زمانی که از منظر محدودی بدان می‌نگرید مربع می‌بینید. با چرخش شیئی که به شکل مکعب است یا با تغییر موضع و نگاهتان، خطوط و زوایای پستی آن را هم می‌بینید و آن را بیش از یک مربع درمی‌یابید. اما پیش از این، شما یکی دو ادراک محدود داشتید و بقیه نماها را با استدلال (یا حدس) درک می‌کردید. بنابراین، جوانب و نماهای اوبژه وابسته به منظر و زاویه ادراک ما هستند و ادراک، عملی است که مدرکات را در واقعیت اصلیشان بر ما حاضر می‌کند. به عنوان نمونه، بخش روبه‌روی ما، مدرکی است که تمام‌قد پدیدار می‌شود و بخش پستی و نماهای جانبی اوبژه ممکن است به شکل ناقص و فاقد هرگونه محتوای شهود و از طریق استدلال عرضه شوند.^۲

قصیدیت یا التفات یا حیث التفاتی، نمایی از حالات یا رویدادهای ذهنی است در رابطه با مسائلی که فارغ از وجود، تاریخ، پیش‌فرض‌ها و تعصبات، و رویکرد عرفی یا علمی بدانها توجه می‌کنیم. به عنوان مثال می‌پرسیم: «به چه چیزی فکر می‌کنی؟» و «درباره چه فکر می‌کنی؟». بنابراین، اگر به منطقه‌ای، یا به هزینه زندگی در آنجا فکر می‌کنید، یا به ملاقات با فردی در مکان ویژه‌ای فکر می‌کنید، ذهن شما به سمت آن منطقه، یا هزینه زندگی، یا ملاقات در مکان ویژه در آن منطقه التفات می‌کند، نه به جغرافیای شهر یا به جوانب دیگر آن.^۳ پس ذهن ما، نه به خود منطقه که به جهت خاص و نمای ویژه‌ای از آن هدایت شده است. به دیگر سخن، ما فقط با اشیای طبیعی صرف مواجه نمی‌شویم، بلکه با نماهای خاصی از آن، همانند ارزش‌ها و اوبژه‌های عملی، روبه‌رو هستیم.^۴

پدیدارشناسی حجاب

همان‌طور که گفته شد، آگاهی در پدیدارشناسی، گسیخته و مجرد نیست، بلکه آگاهی همواره ناظر به امری است؛ یعنی آگاهی، صرف آگاهی نیست، بلکه آگاهی «از» چیزی است. افزون بر آن، آگاهی ناظر به اوبژه خام نیست، بلکه ناظر به «اوبژه در چارچوب سوژه» است یا به حیثی و نمایی از اوبژه کار دارد؛ همانند التفات به یک شیء به عنوان امر اجتماعی، یا

۱. رشیدیان، ۱۳۹۹، ص ۲۵۴.

۲. Manen, 2016, p 62-63.

۳. Siewert, 2022.

۴. رشیدیان، ۱۳۹۹.

ص ۲۵۰-۲۵۱.

خواننده کتاب مسئله حجاب به دل تاریخ می رود تا در پرتوی محوکننده بارقه های بصیرت بخش کتاب، اعتبار هر باور مبتنی بر برهنگی را زیر سؤال ببرد و اجازه ظهور وجودی را که در حجاب برهنگی مستور مانده است، صادر کند تا اصالت و فرزانی را از چنگ غریزه و جنسیت به درآورد.

التفات به همان شیء به عنوان امر ارزشمند، یا توجه بدان به عنوان امر زیبا، یا آگاهی از آن به عنوان سرمایه، یا التفات به آن به عنوان امر دوست داشتنی و ...

آگاهی به حجاب و توجه بدان نیز از این امر مستثنا نیست. آگاهی به حجاب می تواند اشکال گوناگونی داشته باشد: حجاب به مثابه راه حل، هویت و چیستی حجاب، ارزشمندی حجاب، حجاب به عنوان حافظ، و حجاب به منزله سلامت. به نظر می رسد کتاب مسئله حجاب استاد مطهری، حجاب را از منظر حیثیات التفاتی یادشده نگریسته و از دریچه این حیثیات، احکامی را مطرح کرده است.

برای این نوع نگاه پدیدارشناسانه به حجاب، پژوهشگر باید از دیدگاه های رایج فاصله بگیرد تا تجربه های زیسته ناب و ساختار ذاتی تجربه اش را شکل دهد. حال ممکن است این تجربه ها و شکل دهی به ساختار ذاتی تجربه به برخی دیدگاه ها نزدیک باشد یا دور. اما در آغاز پژوهش نباید این دیدگاه ها به عنوان گرانگاه مطرح باشند.

در کتاب مسئله حجاب، این فاصله گرفتن، قابل رصد است و همین فاصله کمک می کند تا به جای تفکر انفعالی، تفکر انتقادی در کتاب خلق شود و دیدگاه ها نقد شوند.

در گزارش استاد مطهری در کتاب مسئله حجاب، در باب علت پیدا شدن حجاب، نظریات گوناگونی ابراز شده است که به قرار زیر هستند:

۱. میل به ریاضت و رهبانیت (ریشه فلسفی)؛
۲. عدم امنیت و عدالت اجتماعی (ریشه اجتماعی)؛
۳. پدرشاهی و تسلط مرد بر زن و استثمار نیروی وی در جهت منافع اقتصادی مرد (ریشه اقتصادی)؛
۴. حسادت و خودخواهی مرد (ریشه اخلاقی)؛
۵. عادت زنانگی زن و احساس او به اینکه در خلقت از مرد چیزی کم دارد. به علاوه مقررات خشنی که در زمینه پلیدی او و ترک معاشرت با او در ایام عادت وضع شده است (ریشه روانی).

اما مؤلف کتاب بر این باور است: علل نامبرده یا به هیچ وجه تأثیری در پیدا شدن حجاب در هیچ نقطه از جهان نداشته است و بی جهت آنها را به نام علت حجاب ذکر کرده‌اند، و یا فرضاً در پدید آمدن بعضی از سیستم‌های غیراسلامی تأثیر داشته است، اما در حجاب اسلامی تأثیر نداشته است. این استاد برجسته، هریک از این علل را ذکر و سپس انتقاد و ثابت می‌کند که اسلام در فلسفه اجتماعی خویش به هیچ یک از این جهات نظر نداشته است. اما نگارنده در این پژوهش به این بعد کاری ندارد.^۱

افزون بر آن، عدم فروکاست زن به زن غربی و عدم تقلیل انسان به انسان غربی، و عدم فروکاست آزادی به آزادی غربی در کتاب مسئله حجاب قابل رصد است. به دیگر سخن، نما به نما، زاویه به زاویه، زیر نور، در تاریکی و سایه، جدا جدا، در افق و پیوسته، در متن، در هاشور، در دل تاریخ، در وجود، در پی انسانی اصیل است؛ انسانی که فروکاست نیافته به غریزه و احساس، تقلیل نیافته به لذت و سود، و تنزل نیافته به جنسیت. صفحه به صفحه کتاب مشحون از آشنایی‌زدایی از انسان، زن، و آزادی است.

همچنین، زن به روایت استاد مطهری، ساحت‌های گوناگونی دارد. طبیعت و غریزه، جاذبه و جنسیت، تنها حاکمی از برخی ساحت‌هاست و برهنگی دقیقاً این ساحت‌ها را برجسته می‌کند. حجاب اما، زن را از این فروکاست تاریخی نجات می‌دهد و جنسیت را به مثابه آیدوس زن انکار می‌کند و بر تکرر ساحت‌های زن و تعالی او صحه می‌گذارد.

زن و حجاب در کتاب مسئله حجاب شهید مطهری از نماهای گوناگون مورد واکاوی قرار می‌گیرد. رخ‌نمایی تدریجی مسئله، که پدیدارشناسان آن را «نوئیس» می‌نامند. در این اثر به نحو چشمگیری جلوه‌گری می‌کند، توگویی خواننده این کتاب از زوایای رنگارنگ، مهمان حجاب می‌شود.

استاد مطهری سعی می‌کند در نور اصول بدیهی و معقول و در تاریک‌سازی

مرز میان حجاب و آزادی در این کتاب، رنگ باخته و منطق محکم حجاب، جای آزادی را تنگ نکرده و گردباد آزادی هم نتوانسته است حجاب را از جا برکند و نگاه خلأقانه به نماهای رنگارنگ حجاب در اثر حاضر، همچون سیلی به سمت و سوی باورهای مبتنی بر برهنگی وابتدال جاری شده است.

مشهورات و خرافات، به لایه‌های درونی‌تر و ساختار ذاتی حجاب نزدیک شود. در این رهگذر، گاهی حجاب را به‌طور منفرد و زمانی در میان مجموعه‌ای از متغیرها و ناظر به افق تحلیل می‌کند.

صورت‌بندی مسئله حجاب نیز در این کتاب، چهره متفاوتی گرفته است؛ چنان‌که استاد در بیان سیمای حقیقی این مسئله می‌نویسد: «حقیقت امر این است که در مسئله پوشش و به اصطلاح عصر اخیر. حجاب، سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ ... پس روح مسئله محدودیت کامیابی‌ها به محیط خانوادگی و همسران مشروع یا آزاد بودن کامیابی‌ها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است. از نظر اسلام، محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی، به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی، سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد، از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌شود، و از جنبه وضع زن، در برابر مرد، سبب می‌گردد ارزش زن در برابر مرد بالاتر رود.»^۱

بنابراین، از منظر استاد در این اثر، حجاب، منطق معقول دارد و فلسفه پوشش اسلامی، چهار جنبه روانی، خانوادگی، اجتماعی، و منزلتی (بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او) دارد و در نگاهی کلی‌تر و اساسی‌تر، فلسفه حجاب در اسلام، به روایت شهید مطهری، این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در چهارچوب ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد، اسلام می‌خواهد. این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.^۲

مؤلف کتاب مسئله حجاب، احکامی را برای حجاب در اسلام توصیف می‌کند که می‌توان همه آنها را ناظر به یک حیث التفاتی مرکزی، یعنی «حجاب به مثابه سلامت» رصد کرد و ذیل این حیث التفاتی مرکزی، حیثیاتی چون حجاب به مثابه حافظ، و حجاب به مثابه امر اجتماعی را رصد کرد. دقیقاً ناظر به این حیثیات التفاتی از حجاب، احکام ایجابی و سلبی برای حجاب به روایت اسلام صادر می‌شود، احکامی چون:

حجاب در اسلام امر آرامش‌بخش است؛

حجاب در اسلام، موجب استحکام خانواده است؛

حجاب در اسلام، امر ارتقای بخش زن است؛

حجاب در اسلام، مایه استواری اجتماع است؛^۳

حجاب در اسلام، پرده‌نشینی نیست؛
 حجاب در اسلام، محبوسیت نیست؛
 حجاب در اسلام، اختلاط نیست؛^۱
 حجاب در اسلام، امر غیرمعقول/غیرمنطقی نیست؛
 حجاب در اسلام، سلب حق آزادی نیست؛
 حجاب در اسلام، رکود و تعطیلی نیست؛
 حجاب در اسلام، افزایش تهاب نیست.^۲

این موارد، از سویی فلسفه حجاب هستند و از سوی دیگر، احکامی هستند که روی حیث التفاتی حجاب، یعنی سلامت می‌نشیند.

به نظر می‌رسد نگرش وجودی ایشان مبنی بر وجود جمعی و حضور کثرت در وحدت و سران وحدت در کثرت،^۳ سبب شده که ایشان از «یا»ی مستبد در «یا حضور زن در جامعه یا پرده‌نشینی» فاصله بگیرد و بر «واو» آبادگر «هم حضور زن در جامعه و هم حضور و نقش زن در خانواده» تأکید کند. به عبارتی، پرده‌نشینی و محبوسیت و اختلاط، سه حکم سلبی برای حجاب است که از حجاب به روایت اسلام نفی می‌شود و این نفی در کنار نفی «افزایش تهاب» و نفی «رکود و تعطیلی» و نفی «امر غیرمعقول» و نفی «سلب حق آزادی» در راستای چه‌نیستی جریان پدیدارشناسی است.^۴

نتیجه‌گیری

یکم: خواننده کتاب حجاب به دل تاریخ می‌رود تا در پرتوی محوکننده بارقه‌های بصیرت‌بخش کتاب، اعتبار هر باور مبتنی بر برهنگی را زیر سؤال ببرد و اجازه ظهور وجودی را که در حجاب برهنگی مستور مانده، صادر کند تا اصالت و فرزاندگی را از چنگ غریزه و جنسیت به در آورد.

دوم: مرز میان حجاب و آزادی در این کتاب، رنگ باخته و منطق محکم حجاب جای آزادی را تنگ نکرده و گردباد آزادی هم نتوانسته حجاب را از جا برکند و نگاه خلّاقانه به نماهای رنگارنگ حجاب در اثر حاضر، سیلی شده به سمت و سوی باورهای مبتنی بر برهنگی و ابتذال.

سوم: در کتاب مسئله حجاب شهید مطهری، حیثیات التفاتی متنوعی به حجاب قابل استنباط است که عبارت‌اند از: حجاب به‌مثابه راه‌حل، چپستی و هویت حجاب، ارزشمندی حجاب، حجاب به‌عنوان حافظ، و حجاب به‌منزله سلامت. به نظر می‌رسد کتاب مسئله حجاب استاد مطهری، حجاب را از منظر حیثیات التفاتی یادشده نگرسته و از دریچه این حیثیات، احکامی را مطرح کرده است. همچنین، به نظر می‌رسد حجاب

۱. مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۶.
 ۲. همان، ص ۱۱۱، ۷۷.
 ۳. این مطلب از اصول مسائلی است که در این فلسفه (حکمت متعالیه) در موارد زیادی به کار می‌آید. وحدت‌هایی داریم در عین کثرت، و عینیت‌هایی داریم در عین مغایرت؛ یعنی در عین اینکه وحدت است کثرت است و در عین اینکه کثرت است وحدت است، که اینها را از یک جنبه می‌گویند «وحدت در کثرت» و از جنبه دیگر می‌گویند «کثرت در وحدت» (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۱).
 ۴. پدیدارشناسی، از منظری دو پرسش عمده دارد: این مسئله چه هست؟ و این مسئله چه نیست؟

نگرش وجودی به حجاب، آن را از ساحت مسئله صرفاً فقهی برکشیده و دروادی امری هویت ساز و هستی بخش جای داده است. با وجود این، نگرش وجودی جای قرآن و فقه را تنگ نکرده است و هریک از رویکردهای وجودی، قرآنی و فقهی، در جای خویش، به نگرستن عمیق و اصیل به مسئله حجاب هم افزایی می کنند.

از حیث التفاتی سلامت، از حیثیات مرکزی است و بقیه حیثیات حجاب به این حیثیت برمی گردند.

چهارم: بر پایه حیث التفاتی سلامت حجاب، برخی احکام ایجابی چون: حجاب در اسلام امر آرامش بخش است؛ حجاب در اسلام، موجب استحکام خانواده است؛ حجاب در اسلام، امر ارتقا بخش زن است؛ حجاب در اسلام، مایه استواری اجتماع است، صادر می شود و برخی احکام سلبی همانند «حجاب در اسلام پرده نشینی نیست؛ حجاب در اسلام محبوسیت نیست؛ حجاب در اسلام اختلاط نیست؛ حجاب در اسلام امر غیر معقول و غیر منطقی نیست؛ حجاب در اسلام سلب حق آزادی نیست؛ حجاب در اسلام رکود و تعطیلی نیست؛ حجاب در اسلام افزاینده التهاب نیست»، مطرح و ادله و شواهد این احکام، به تفصیل، ارائه می شوند.

منابع

- جمادی، سیاوش (۱۴۰۰). زمینه و زمانه پدیدارشناسی. تهران: ققنوس.
- رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۹). هوسرل در متن آثارش، تهران: نی.
- زهاوی، دان (۱۴۰۲). مبانی پدیدارشناسی. ترجمه علی رضا عطارزاده. تهران: ققنوس.
- سربون، دیوید (۱۳۹۹). پدیدارشناسی. اصفهان: نقش جهان.
- کاوفر، اشتفان و چمرو، آنتونی (۱۳۹۸). پدیدارشناسی، تهران: روزگار نو.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). درسهای اسفار: مبحث زمان (مجموعه آثار استاد شهید مطهری)، جلد ۱۲، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مسئله حجاب، تهران: صدرا.
- هوسرل، ادموند (۱۴۰۱). تأملات دکارتی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی.
- Manen, Max van (2016). Phenomenology of Practice: Meaning-Giving Methods in Phenomenological Research and Writing, London and New York.
- Husserl, Edmund (1983). *Ideas Pertaining to A Pure Phenomenology and to A Phenomenological Philosophy First Book: A General Introduction to A Pure Phenomenology*. Translated by F. Kersten, Boston/ Lancaster, Martinus Nijhoff Publishers.
- Siewert, Charles, "Consciousness and Intentionality", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Summer 2022 Edition). Edward N. Zalta (ed.), URL = <https://plato.stanford.edu/archives/sum2022/entries/consciousness-intentionality/>.